

تبیین ماهیت تصویر افکار عمومی آمریکا از ایران بر مبنای نظریه تصویر در روابط بین الملل

جلیل بیات*، سیدمحمدکاظم سجادیپور**، محمدحسین جمشیدی*** و محسن اسلامی****

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۹	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۰	شماره صفحه: ۱۷۸-۱۴۹
-------------------	-------------------------	------------------------	---------------------

تصمیم‌گیرندگان در کشورهای دموکراتیک معمولاً سعی می‌کنند نظرها و دیدگاه‌های جاری در جامعه را مورد توجه قرار دهند. یکی از روش‌های معمول در شناخت افکار عمومی درباره یک موضوع، انجام نظرسنجی است. نظرسنجی می‌تواند فهم موجزی از دیدگاه‌های مردم یک کشور درباره یک موضوع به دست دهد، اما اگر بخواهیم تصویر جامعی از یک جامعه درباره کشوری دیگر داشته باشیم می‌بایست دیدگاه‌های افکار عمومی را از ابعاد مشخصی مورد بررسی قرار داد. از این رو پژوهش حاضر سعی دارد با توجه به نظریه تصویر در روابط بین‌الملل، سه بُعد را در برسازگی تصویر مردم آمریکا از ایران مورد بررسی قرار دهد. از آنجاکه افکار عمومی در آمریکا یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی این کشور است و تصویر مردم آمریکا از ایران تأثیر مهمی در چگونگی رابطه آمریکا با ایران دارد، سؤال اصلی این پژوهش را این‌گونه مطرح کردیم که افکار عمومی آمریکا چه تصویری از ایران داشته و شامل چه ویژگی‌هایی است؟ نتایج پژوهش حاضر که با روش مطالعه موردی و براساس نظریه تصویر به دست آمده است نشان می‌دهد تصویر مردم آمریکا از ایران به تصویر کلیشه‌ای «دشمن نسبی» شباهت دارد که این موضوع از طریق بررسی سه بُعد موقعیت، میزان توانمندی و ارزش‌های سیاسی ایران از دیدگاه افکار عمومی آمریکا حاصل شد که به ترتیب شامل تهدیدآمیز، قدرت نسبی و ارزش‌های سیاسی متفاوت است.

کلیدواژه‌ها: ایران؛ آمریکا؛ تصویر؛ تهدید؛ افکار عمومی؛ ارزش‌های سیاسی

* دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس؛ Email: jalil.bayat@gmail.com

** استاد روابط بین‌الملل، دانشکده وزارت خارجه (نویسنده مسئول)؛ Email: sajjadpour@sir.ac.ir

*** دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس؛

Email: jamshidi@modares.ac.ir

**** استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس؛

Email: eslami.m@modares.ac.ir

مقدمه

افکار عمومی به خصوص در کشورهای دموکراتیک از اهمیت خاصی برخوردارند؛ چرا که مسئولان برای انتخاب مجدد به آرای مردم نیاز داشته و از این رو نمی‌توانند تصمیماتی اتخاذ کنند که با دیدگاه عمومی فاصله زیادی دارد. از این منظر گفته می‌شود افکار عمومی به‌ویژه در آمریکا یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی است (Holsti, 2004: 163-239). این امر ناشی از اهمیت مشروعیت در جوامع دموکراتیک است که به رضایت عمومی نیاز دارد و اشاره‌ای است به این موضوع که باید میزان قابل توجهی از هماهنگی (یا حداقل رضایت عمومی) بین افکار عمومی و سیاست‌های دولت وجود داشته باشد. تحقیقات تجربی نشان داده‌اند که در بسیاری از موضوعات سیاست خارجی آمریکا چنین رابطه‌ای معمولاً وجود دارد (Powlick, 1995: 428).

افکار عمومی به ندرت تأثیر مستقیم بر تصمیمات سیاسی یا اجرای سیاست‌های خاص دارند و تأثیرات غیرمستقیم آن بسیار مهمتر است. در واقع نقش اصلی مردم در لیبرال دموکراسی‌ها، تأثیر بر فرایند ائتلاف‌سازی در میان گروه‌های نخبگان است. از این رو گفته می‌شود مدل‌های بالا به پایین (نخبه‌گرایی) یا پایین به بالا (پلورالیسم دموکراسی) برای تبیین چگونگی تأثیر افکار عمومی بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی در آمریکا بسیار ساده‌انگارانه است (Risse-Kappen, 1991: 510). یکی از راه‌های کشف دیدگاه‌های افکار عمومی، انجام نظرسنجی است. امروزه اکثریت قریب به اتفاق مطالعات مربوط به ارتباط افکار عمومی با سیاست خارجی به شدت بر روی داده‌های نظرسنجی برای توصیف نگرش عمومی متکی هستند (Powlick, 1995: 430).

از سوی دیگر از آنجاکه در چهل سال گذشته آمریکا مهم‌ترین بازیگر تأثیرگذار بر سیاست امنیتی و خارجی ایران بوده، درک عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری این کشور علیه ایران اهمیت دارد. از این منظر و با لحاظ این نکته که تمرکز این پژوهش بیشتر بر دوره ریاست جمهوری باراک اوباما است، سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: افکار عمومی آمریکا چه تصویری از ایران داشته و این تصویر دارای چه ویژگی‌هایی است؟ در پاسخ به پرسش ذکر شده فرضیه مقاله به این شرح است: «تصویر مردم ایالات متحده آمریکا از ایران با توجه به افکار عمومی

این کشور در مورد ایران که حاصل تکیه بر موقعیت سرزمینی و راهبردی این سرزمین، ارزش‌های سیاسی و میزان توانمندی کشور ماست، بیانگر نوعی تصویر کشور دشمن تهدیدآمیز، برخوردار از توان نسبی و ارزش‌های سیاسی متمایز از آمریکا و مجامع غربی است.^۱ در این پژوهش از نظرسنجی‌های متعددی که توسط برخی مؤسسات نظرسنجی معتبر در آمریکا همچون شورای شیکاگو درباره امور جهانی^۲، مؤسسه افکارسنجی گالوپ^۳، مؤسسه تحقیقاتی پیو^۴ و برخی رسانه‌های بزرگ و معتبر در آمریکا طی چند دهه اخیر درباره ایران انجام داده‌اند استفاده شده است تا تصویر مردم آمریکا از ایران را ترسیم کنیم. ما این بررسی را به صورت هدفمند درباره سه بُعد موقعیت (فرصت یا تهدید بودن)، میزان توانمندی و ارزش‌های سیاسی ایران از دیدگاه مردم آمریکا انجام می‌دهیم. در واقع بر اساس ادبیات موجود در نظریه تصویر که در بخش چارچوب نظری توضیح داده خواهد شد، ما فرصت یا تهدید بودن ایران، میزان قدرت آن و ارزش‌های سیاسی این کشور در دیدگاه مردم آمریکا را با استفاده از نظرسنجی‌های انجام شده مورد بررسی قرار می‌دهیم تا به تصویر افکار عمومی آمریکا از ایران پی ببریم.

رویکرد پژوهشی مقاله حاضر تبیینی و روش تحقیق مطالعه موردی است. رویکرد مطالعه موردی، یکی از متداول‌ترین روش‌های تحقیقات محسوب می‌شود که از منابع اطلاعاتی زیاد برای بررسی نظام‌مند افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها یا رویدادها استفاده می‌کند. مطالعه موردی هنگامی انجام می‌شود که پژوهشگر نیازمند فهم یا تبیین یک پدیده به مثابه یک مورد مطالعاتی مشخص است.^۴ «از این نظر مطالعه موردی بیشتر به روش کیفی و با تأکید بر فرایندها و درک و تفسیر آنها انجام می‌شود. «مورد» چنان انتخاب می‌شود که نمایان‌کننده وضعیت یا حالت کلی تحت مطالعه، یا مثالی از پدیده(های) مورد نظر باشد که پژوهشگر می‌خواهد درباره آنها به درک عمیقی دست یابد» (سرمد، بازگان و حجازی، ۱۳۷۶: ۸۹). روش

1. Chicago Council on Global Affairs

2. Gallup

3. Pew Research Center

۴. در مورد کاربردهای مطالعه موردی به ویژه در تحقیقات کیفی و انسانی برای نمونه رجوع کنید به: آثار رابرت بین و دایرةالمعارف مطالعه موردی شامل ۳۵۷ مدخل و بیش از ۱۱۰۰ صفحه که در دو جلد به زبان انگلیسی تنظیم شده است.

گردآوری اطلاعات پژوهش، کتابخانه‌ای و اسنادی است و همان‌طور که عنوان شد از نتایج نظرسنجی‌های متعدد انجام شده نیز استفاده می‌شود. در ادامه ابتدا به پیشینه پژوهش اشاره می‌شود و سپس مبانی نظری بحث توضیح داده خواهد شد. آنگاه به عوامل مؤثر در شکل‌گیری افکار عمومی آمریکا در موضوعات سیاست خارجی خواهیم پرداخت و سپس دیدگاه افکار عمومی آمریکا درباره ایران را براساس سه بُعد پیش‌گفته از طریق نظرسنجی‌های متعدد کاوش خواهیم کرد.

۱. پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهش حاضر را می‌توان در دو بخش مجزا مورد بررسی قرار داد. در بخش نظری پژوهش‌های بسیاری با رویکرد ادراکی به‌طور عام و نظریه تصویر به‌طور خاص در سیاست خارجی انجام شده است. از پژوهش‌های کنث بولدینگ که برای نخستین بار از مفهوم تصویر برای تحلیل سیستم‌های بین‌المللی استفاده کرد (Boulding, 1956, 1959)، تا هالستی که از تصاویر فردی با عنوان سیستم‌های اعتقادی نام برد و نقش آنها را در فرایند شناختی فرد برجسته کرد (Holsti, 1976: 19-20) و البته مفهوم‌پردازی‌های جرویس (Jervis, 2017) درباره تأثیر سوءبرداشت در تصمیم‌گیری رهبران در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی همگی با زیربنای روان‌شناختی و رویکرد ادراکی انجام شده است. با این حال نظریه تصویر بیشتر مرهون تلاش‌های نظری افرادی همچون ریچارد کاتم^۱، مارتا کاتم^۲ و به‌خصوص ریچارد هرمن (Herrmann, 2013, 2001, 1997, 1988, 1986) است. در پژوهش حاضر برمبنای مفهوم‌پردازی و نظریات این افراد در قالب نظریه تصویر بحث را تبیین خواهیم کرد. اما در بُعد عملی و به‌ویژه درباره روابط ایران و آمریکا اکثر پژوهش‌ها به تحلیل دیدگاه (و نه تصویر) یک جامعه از کشور دیگر درباره یک موضوع مشخص پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها عمدتاً با بررسی و تحلیل نظرسنجی‌های مختلف درباره یک موضوع سعی می‌کنند دیدگاه مردم یک کشور درباره دیگری را نشان دهند. به‌عنوان مثال بیات و دهقانی فیروزآبادی در

1. Richard Cottam

2. Martha Cottam

مقاله‌ای به «بررسی نگرش‌های موجود در دو جامعه ایران و آمریکا درباره موضوع هسته‌ای ایران» پرداخته‌اند (بیات و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴). ایتن گیلبوآ نیز همین بررسی را صرفاً از دیدگاه مردم آمریکا انجام داده است (Gilboa, 2010). بیات در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به تأثیر ساختارهای ذهنی معاصر در ایران و آمریکا بر مذاکرات هسته‌ای ایران پرداخته است. وی نشان می‌دهد علاوه بر موضوعات مادی همچون منافع، قدرت و موازنه قوا؛ عوامل غیرمادی همچون انگاره‌ها، تجربیات تاریخی، برداشت‌ها، فرهنگ و افکار عمومی نیز در مذاکرات هسته‌ای ایران با قدرت‌های بزرگ تأثیرگذارند. او با بررسی ساختارهای ذهنی در دو سطح رهبران و جوامع ایران و آمریکا نشان می‌دهد برخی تفاوت‌ها و شباهت‌های ذهنی - فرهنگی مانع از رسیدن طرفین به توافق شده (بیات، ۱۳۹۰) و در تکمیل پژوهش خود عنوان می‌کند فقط تغییر تصاویر دو کشور در نزد یکدیگر می‌تواند به شکل‌گیری یک توافق پایا بیانجامد (همان، ۱۳۹۵).

اما برخی دیگر از پژوهش‌ها با رویکردهای فرهنگی به بررسی درک جوامع ایران و آمریکا از یکدیگر پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال مباشر به موضوع مهاجرین ایرانی در آمریکا بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازد و تأثیر چالش سیاسی میان ایران و آمریکا بر روابط مهاجرین ایرانی با شهروندان آمریکایی را تحلیل می‌کند. او تلاش می‌کند درک طرفین از یکدیگر به‌خصوص بعد از وقایعی همچون بحران گروگان‌گیری را با استفاده از مصاحبه، نظرسنجی و مشاهدات مشارکتی نظام‌مند نشان دهد (Mobasher, 2012).

استینینگر نیز در رساله دکتری خود یک مطالعه کیفی در مورد نگرش گروهی از نخبگان آمریکایی نسبت به ایران انجام داده است. او تلاش کرده به سه سؤال اصلی پاسخ دهد. اول آنکه افراد با فرهنگ‌های مختلف تا چه اندازه در تفکر، استدلال و تصمیم‌گیری متفاوت هستند؟ دوم آنکه علل اصلی این اختلافات چیست؟ و سوم آنکه این اختلافات تا چه حد مسئول سوء تفاهم‌ها و سوء رفتارها بین فرهنگ‌هاست؟ محققان آمریکایی که در این پژوهش با آنها مصاحبه شده است با فرهنگ، زبان و تاریخ ایران آشنایی داشتند و بر تأثیر دین زرتشت و اسلام، غرور ایرانی و تاریخ ایران بر نحوه تفکر ایرانی‌ها تأکید کرده‌اند (Steininger, 2010). اما کتابی با عنوان *ایرانی‌ها در ذهن آمریکایی‌ها* که اخیراً منتشر شده است به

درک آمریکایی‌ها از ایرانی‌ها با رویکرد میان‌فرهنگی می‌پردازد (Shahghasemi, 2017). شاه‌قاسمی در دو فصل از کتاب سعی می‌کند زمینه‌های تاریخی و سیاسی که به تصویر ایران در ذهنیت آمریکایی‌ها شکل می‌دهد را بررسی کند و سپس با نظرسنجی از ۱۷۵۲ نفر آمریکایی از منظر طرح‌واره‌های میان‌فرهنگی تلاش می‌کند تا دیدگاه آمریکایی‌ها درباره مردم ایران را متوجه شود.

باین حال تمامی پژوهش‌های پیش‌گفته دارای یکی از این دو ضعف بوده که یا فقط به بررسی دیدگاه (و نه تصویر) یک جامعه از دیگری پرداخته و این کار را به یک موضوع خاص تقلیل داده یا از جنبه نظری از نظریه تصویر در روابط بین‌الملل استفاده نکرده‌اند. از این نظر پژوهش حاضر با توجه به پوشش این دو موضوع کاملاً بدیع بوده و می‌تواند به لحاظ نظری نیز فتح بابی برای پژوهش‌های دیگر باشد.

۲. مبانی نظری

یکی از رویکردهای مهم در تحلیل سیاست خارجی، رویکرد ادراکی است که بر مبانی روان‌شناختی متکی است و بر سطح ادراک فردی تمرکز دارد. رویکرد روان‌شناختی در تحلیل سیاست خارجی بر برداشت‌ها، تصورات، ارزش‌ها و روابط بین‌افردی تأکید دارد. منظور از ادراک؛ تفاسیر اشخاص از محیط و نگرش‌ها، باورها، تصورات و طرح‌واره‌هایی است که در نتیجه تجربه آنها شکل می‌گیرند (Bar-Tal, 2002: 173-180). البته رویکرد ادراکی منکر تأثیر شرایط محیطی و مادی بر ایده‌ها و ادراکات نیست؛ اما معتقد است سیاست خارجی یک دولت نه در برابر جهان خارجی آن چنان که هست، بلکه در برابر تصویر ساده شده‌ای از آن شکل می‌گیرد که در ذهن تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی است (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۱۵۲). یکی از نظریه‌های ذیل رویکرد ادراکی، نظریه تصویر است. بولدینگ تصویر را مجموع ساختار شناختی، عاطفی و ارزش‌گذارانه از رفتار یک کشور و یا نگاه آن به خود و جهان خارج تعریف کرد. به نظر او تصاویری که در نظام‌های بین‌المللی مهم هستند شامل تصویری است که یک ملت از خود و از دیگران در محیط بین‌المللی دارد. وی استدلال کرد درک خصومت یا دوستی و همچنین درک قدرت یا ضعف یک کشور، از ویژگی‌های اصلی تصویر یک فرد از

آن کشور است (Boulding, 1959: 124). اندیشمندان نظریه تصویر معتقدند آنچه اهمیت دارد خود «واقعیت» نیست؛ بلکه تصویر واقعیت برای کنشگر است. در واقع تصاویر ذهنی، تفاسیری از واقعیت هستند که سیاست را به پیش می‌برند (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۱۶۱).

در این نظریه با اتکا به مباحث مربوط به باور و برداشت، نوعی دسته‌بندی از برداشت‌های رهبران و تصمیم‌گیرندگان حوزه سیاست خارجی از دولت‌های دیگر به عنوان تصویر ارائه می‌شود و میان این تصاویر و سیاست‌ها ارتباط برقرار می‌شود. بنابراین باید گفت نخستین گام در شناخت و درک دیگری، گنجاندن او یا موقعیتش در طبقه‌ای شناخته شده است. وقتی فردی یا موقعیتی در یک طبقه قرار گرفت، افراد تصورات قالبی سازمان یافته‌ای را در شکل یک طبقه یا طرح‌واره، برای پردازش اطلاعات مربوط به آن فرد یا موقعیت به کار می‌برند تا درباره وی تصمیم بگیرند. تصورات قالبی در واقع باورهایی پیشینی درباره ویژگی‌های افراد، گروه‌ها یا طبقات اجتماعی است (Alexander, Brewer and Hermann, 1999: 78-93).

در عرصه بین‌الملل نیز همچون عرصه اجتماعی، طبقه‌بندی شناختی توسط افراد و تصمیم‌گیرندگان انجام می‌شود و دولت‌ها با تصاویر مختلفی درک و شناسایی می‌شوند. با این حال باید توجه داشت تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی در خلأ اقدام به تصمیم‌گیری نمی‌کنند و تحت تأثیر عوامل مختلفی هستند که یکی از آنها افکار عمومی است. نظریه پردازان تصویر معتقدند تصویر به صورت بین‌الذهانی میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد؛ بنابراین رهبران (تصمیم‌گیرندگان) در فرایند تصمیم‌گیری متأثر از دیدگاه‌های مردم جامعه خود یا افکار عمومی هستند.

در ادبیات نظریه تصویر در روابط بین‌الملل چند تصویر کلیشه‌ای مطرح است که شامل دشمن، متحد، امپریالیست و مستعمره می‌شود. این تصاویر بر اساس ادراک فاعل شناسا از ابعاد بر سازنده تصویر شکل می‌گیرند و از یکدیگر تمییز داده می‌شوند.

ریچارد کاتم سه بُعد بر سازنده تصاویر را چنین برمی‌شمارد: بُعد اول به موقعیت (تهدید یا فرصت) «دیگری» در برابر ما مربوط می‌شود. بُعد دوم میزان قدرت (قوی‌تر یا ضعیف‌تر) «دیگری» نسبت به ما است. و بُعد سوم تقریب فرهنگی «دیگری» به ما است؛ اینکه فرهنگی شبیه یا متفاوت از ما دارد. ریچارد هرمن نیز همین سه بُعد را به کار می‌برد و

البته در برخی پژوهش‌های خود از «فرایند تصمیم‌گیری» به جای «فرهنگ» استفاده کرده است (Herrmann et al., 1997: 411). به‌عنوان مثال اگر برداشت فاعل شناسا از یک کشور شامل موقعیت تهدیدآمیز، میزان توانمندی و فرهنگی برابر باشد و یا فرایند تصمیم‌گیری آن یکپارچه تصور شود، چنین تصویری به تصویر کلیشه‌ای «دشمن» شباهت دارد.

با توجه به بُعد مسافت و عدم ارتباط جوامع ایران و آمریکا و توجه بیشتر رسانه‌ها به موضوعات سیاسی، اطلاعات مردم آمریکا درباره مسائل سیاسی ایران به نسبت بیشتر از فرهنگ ایران است. به همین دلیل در پژوهش حاضر به جای فرهنگ، ارزش‌های سیاسی بررسی شد. در این بُعد سه متغیر نظام سیاسی، حقوق بشر و رفتار بین‌المللی ایران لحاظ شد. به این ترتیب تصاویر کلیشه‌ای مطابق جدول ۱ خواهد بود.

جدول ۱. تصاویر کلیشه‌ای در روابط بین‌الملل براساس سه بُعد مورد بررسی پژوهش حاضر

نوع تصویر	موقعیت	توانمندی	ارزش‌های سیاسی
دشمن	تهدید	برابر	متفاوت
امپریالیست	تهدید	فرا دست	متفاوت
مستعمره	فرصت	فرو دست	متفاوت
متحد	تهدید	برابر	مشابه

مأخذ: کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۳ با تغییرات نویسنندگان.

بر این اساس اگر فاعل شناسا موقعیت ابژه مورد شناخت را تهدیدآمیز، توانمندی آن را برابر و ارزش‌های سیاسی آن را متفاوت از خود بیابد، تصویر او از کشور مورد نظر به تصویر کلیشه‌ای دشمن شبیه خواهد بود. اما اگر موقعیت تهدیدآمیز و ارزش‌های سیاسی متفاوت باشند و میزان توانمندی، نسبی بنماید (نه فرا دست یا برابر و نه خیلی فرو دست) به تصویر کلیشه‌ای «دشمن نسبی» شباهت خواهد داشت. در واقع شرط لازم برای تصویر دشمن‌انگاره از یک کشور، موقعیت تهدیدآمیز و ارزش‌های سیاسی متفاوت آن و شرط کافی میزان توانمندی آن است؛ که اگر «برابر یا فرا دست» باشد تصویر، «دشمن کامل»

خواهد بود و اگر «نه برابر و نه خیلی فرودست» باشد تصویر «دشمن نسبی» خواهد بود. به این ترتیب زمانی که «دیگری» در یکی از طبقه بندی های تصاویر کلیشه ای قرار داده شد، با توجه به خصوصیات رفتاری مفروض در آن طبقه، بدیل های رفتاری برای برخورد با او در قالب سیاستگذاری های راهبردی پیش بینی و اجرا می شود. بیان این نکته مهم است که بررسی ما از تصویر افکار عمومی آمریکا نسبت به ایران با توجه به نظریه تصویر که بر مبنای سطح تحلیل فردی استوار است بدون اشکال بوده، چرا که دیدگاه های فردی را به صورت تجمیعی مدنظر قرار می دهیم و تاکنون پژوهش های مختلفی در این باره براساس نظریه تصویر انجام شده است (Zhang, 2012: 18).

۳. عوامل تأثیرگذار بر شکل گیری افکار عمومی در آمریکا

استفن والت نظریه پرداز مشهور روابط بین الملل معتقد است مردم آمریکا اطلاعات زیادی درباره موضوعات سیاست خارجی (برخلاف موضوعات داخلی) ندارند و در واقع افراد تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا دارای اختیارات قابل توجهی برای شکل دادن به دیدگاه های مردم آمریکا درباره مسائل کلیدی سیاست خارجی هستند (Walt, 2018: 151). این دیدگاه واقع گرایانه که در برابر دیدگاه تجدیدنظرطلبانه قرار می گیرد در واقع ادامه اجماع سنتی آلموند - لیپمن است که افکار عمومی را با عنوان نگرش های بی ثبات، فاقد ساختار و انسجام و نفوذ پایین در سیاست خارجی توصیف می کند (Holsti, 1992: 439).

برایند تحقیقات مختلف نشان می دهد حداقل پنج عامل در شکل گیری افکار عمومی آمریکا در موضوعات سیاست خارجی مؤثر هستند. رسانه ها نخستین و یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر افکار عمومی در موضوعات سیاست خارجی هستند. عامل دوم رهبران یا نخبگان عمومی جامعه بوده که رسانه ها به نوعی منافع آنها را تقویت می کنند. عامل سوم گروه های نفوذ و لابی ها و عامل چهارم احزاب هستند که بخشی از تأثیر خود بر فرایند تصمیم گیری سیاست خارجی در آمریکا را از طریق تأثیرگذاری بر نظرهای عمومی پیش می برند و عامل پنجم مباحث مربوط به جمعیت شناسی و تفاوت هایی مانند جنسیت، وضعیت اجتماعی - اقتصادی، تحصیلات، نژاد و یا تفاوت نسلی است که در دیدگاه های سیاست خارجی افراد مؤثر

هستند (Ibid., 2004: 163-239). با این حال اغلب تحقیقات از رسانه‌ها به عنوان مهمترین عامل تأثیرگذار در این موضوع نام برده‌اند. تأثیر رسانه‌ها در تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا حتی از تأثیرگذاری بر افکار عمومی فراتر می‌رود و رهبران و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی را نیز شامل می‌شود. به همین دلیل گفته می‌شود رسانه‌ها در آمریکا بخشی از فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی هستند؛ چرا که یکی از منابع ورودی برای تصمیم‌گیری و همچنین محیطی برای توضیح و تشریح تصمیمات رهبران هستند (Naveh, 2002: 10).

نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد تلویزیون تأثیرگذارترین رسانه در ادراک آمریکایی‌ها نسبت به ایران است و بعد از آن روزنامه‌های چاپی قرار دارند. تأثیر رسانه‌های اجتماعی و اخبار اینترنتی بسیار کمتر از تلویزیون و روزنامه‌ها گزارش شده است. از این میان تنها رسانه‌های اجتماعی نسبت به ادراک از ایران همبستگی منفی دارند، به این معنا که هرچه بیشتر از آنها استفاده شود اعتقاد به هدف ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای کمتر می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد مردم آمریکا اطلاعات سیاسی را کمتر از طریق رسانه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند، اما ضریب همبستگی با استفاده از روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون مثبت می‌شود. به این ترتیب مردم آمریکا هرچه بیشتر از تلویزیون استفاده کنند، اعتقاد آنها به هدف ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای بیشتر می‌شود (Bissett, 2015).

این قدرت رسانه‌ها در تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا باعث شده برخی بگویند تبدیل یک موضوع سیاست خارجی به یک بحث عمومی در آمریکا در درجه اول وابسته به رفتارهای حامیان آن موضوع نیست، بلکه اغلب تابع انتخاب‌هایی است که رسانه‌های خبری بزرگ انجام می‌دهند. در واقع تصمیماتی که خبرنگاران و سردبیران رسانه‌های بزرگ درباره آنچه که باید پوشش دهند می‌گیرند، نقش مهمی در تعیین اینکه چه مشکلات و نگرانی‌هایی باعث فعال شدن افکار عمومی می‌شود، دارد (Powlick and Katz, 1998: 39-40). از سوی دیگر پیوند رسانه‌ها با لابی‌های قدرت و نخبگان سیاسی، این نتیجه را به ذهن متبادر می‌کند که افکار عمومی آمریکا در موضوعات سیاست خارجی به شدت تحت تأثیر مطامع سیاست‌مداران و لابی‌های قدرت هستند.

اینکه افکار عمومی در آمریکا چطور شکل می‌گیرند قابل اهمیت است، به عنوان مثال

ایران می‌تواند در فرایند این شکل‌گیری تأثیرگذار باشد؛ اما این موضوع نافی نقش و اهمیت افکار عمومی آمریکا در تصمیم‌گیری سیاست خارجی نیست. تجربه تاریخی مؤید آن است که افکار عمومی در آمریکا از تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی برخوردار هستند. موضوعاتی همچون جنگ ویتنام یا رسوایی ایران - کنترا نشان‌دهنده نفوذ و قدرت افکار عمومی و پیامدهای ناگوار برای تصمیم‌گیرندگان در صورت بی‌توجهی به آن است. بنابراین در مقاله حاضر با علم به چگونگی شکل‌گیری افکار عمومی در آمریکا در قبال موضوعات سیاست خارجی و عوامل تأثیرگذار بر آن قصد داریم به بررسی تصویر ایران در افکار عمومی آمریکا بپردازیم.

۴. تصویر افکار عمومی آمریکا از ایران

تاکنون مطالعات زیادی درباره تأثیر افکار عمومی بر سیاست خارجی ایالات متحده انجام شده است (Soroka, 2003; Hartley and Russett, 1992; Hill, 1998; Sobel, 2001; Wlezien, 1996). به طور کلی گفته می‌شود افکار عمومی به خصوص در کشورهای دموکراتیک از اهمیت خاصی برخوردارند؛ چرا که مسئولان برای انتخاب مجدد به آرای مردم نیاز داشته و نمی‌توانند تصمیماتی اتخاذ کنند که با دیدگاه عمومی فاصله زیادی دارد. اکثریت قریب به اتفاق مطالعات مربوط به ارتباط افکار عمومی با سیاست خارجی به شدت بر داده‌های نظرسنجی برای توصیف نگرش عمومی متکی هستند (Powlick, 1995: 430).

برخی مؤسسات نظرسنجی معتبر در آمریکا همچون شورای شیکاگو درباره امور جهانی، مؤسسه افکارسنجی گالوپ، مؤسسه تحقیقاتی پیو و برخی رسانه‌های بزرگ و معتبر در چند دهه اخیر هر سال اقدام به نظرسنجی از مردم این کشور درباره ایران کرده‌اند. بررسی این نظرسنجی‌های متعدد می‌تواند به شناخت دیدگاه و تصویر مردم آمریکا از ایران کمک کند. در مقاله حاضر سعی کرده‌ایم این نظرسنجی‌ها را با توجه به سه بُعد مورد بررسی این پژوهش تحلیل کنیم.

۴-۱. فرصت یا تهدید بودن ایران در دیدگاه افکار عمومی آمریکا

بعد از بحران گروگان‌گیری نظرسنجی‌های مختلفی درباره دیدگاه مردم آمریکا نسبت به ایران

انجام شده و هنوز هم ادامه دارد. مؤسسه گالوپ از سال ۱۹۸۹ تاکنون به بررسی دیدگاه مردم آمریکا درباره ایران پرداخته است که براساس نتایج بدست آمده، ایران در تمامی این سال‌ها تصویری نامطلوب در نزد اذهان آمریکایی‌ها داشته است (Gallup, 2019: 1-2). سازمان افکار عمومی جهانی نیز در ژانویه سال ۲۰۰۸ از پرسش‌شوندگان آمریکایی خواست تا نظر خود را درباره ایران بیان کنند که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. دیدگاه مردم آمریکا درباره ایران در سال ۲۰۰۸

به نظر شما ایران چه تأثیری در دنیا دارد؟ (آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۸)				
عمدتاً مثبت	عمدتاً منفی	بستگی دارد	هیچ‌کدام	نمی‌دانم
۱۰ درصد	۸۰ درصد	۰ درصد	۰ درصد	۱۰ درصد

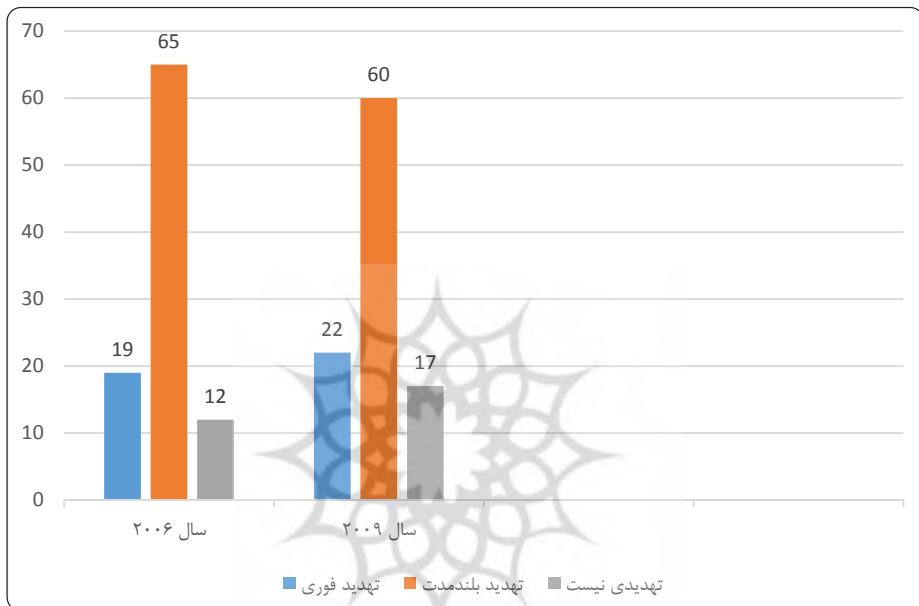
Source: World Public Opinion Org, 2008: 7.

این نگاه بدبینانه نسبت به ایران پس از مطرح شدن پرونده هسته‌ای و ادعای افشای اقدامات مخفیانه ایران در ساخت و توسعه رآکتورهای هسته‌ای تشدید و همراه با القانات رسانه‌های گروهی به تصویری تهدیدآمیز تبدیل شد؛ به طوری که «ایران از سال ۲۰۰۶ بزرگترین دشمن آمریکا در نزد آمریکایی‌ها بوده است» (Jones, 2011: 2). اما در فوریه ۲۰۱۴ ایران از این منظر پس از چین در جایگاه دوم قرار گرفت. جفری جونز معتقد است برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) می‌تواند در این تغییر و تحول تأثیرگذار بوده باشد. به عبارت دیگر کاهش تصور تهدیدآمیز از ایران در نزد آمریکایی‌ها با امکان توافق درباره محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران گره خورده است (Ibid., 2014: 1-2). از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ ایران بعد از روسیه، چین و کره شمالی چهارمین دشمن بزرگ آمریکا از دیدگاه شهروندان این کشور محسوب می‌شود (Saad, 2019).

در سال ۲۰۰۶ در نظرسنجی مشترک سی.ان.ان، یو.اس.ای. تودی و گالوپ، ۱۹ درصد از پرسش‌شوندگان آمریکایی، ایران را تهدیدی فوری برای آمریکا و ۶۵ درصد تهدیدی بلندمدت دانسته‌اند و تنها ۱۲ درصد معتقد بودند ایران تهدیدی برای آمریکا نیست. در

آوریل ۲۰۰۹ این میزان به ترتیب ۲۲ درصد تهدید فوری، ۶۰ درصد تهدید بلندمدت بوده و ۱۷ درصد هم گفتند ایران به هیچ وجه تهدیدی برای آمریکا محسوب نمی شود.

نمودار ۱. دیدگاه مردم آمریکا درباره تهدید بودن ایران در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹

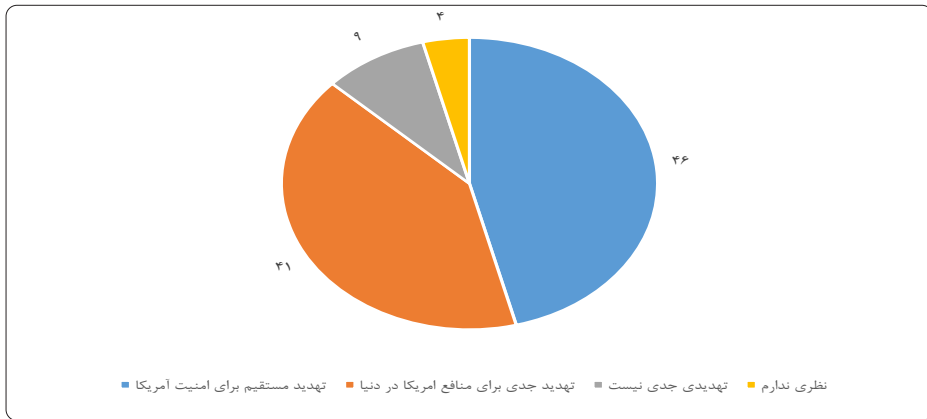


Sources: Moore, 2006: 1; CNN, 2009a.

در نظرسنجی ژوئن ۲۰۰۹ از پرسش شوندگان آمریکایی درباره ایران سؤال شد. در پاسخ ۴۳ درصد ایران را تهدید خیلی جدی، ۳۶ درصد تهدید متوسط، ۱۳ درصد تهدید کم و ۷ درصد هم تهدیدی برای آمریکا محسوب نمی کردند. اگرچه از هر ۱۰ نفر آمریکایی تقریباً هشت نفر ایران را تهدیدی خیلی جدی یا متوسط برای آمریکا می دانند، با این حال نتایج این نظرسنجی نشان داد ۸۲ درصد مردم آمریکا مخالف اقدام نظامی علیه ایران هستند (Steinhauser, 2009).

در تحقیقی دیگر که توسط مؤسسه گالوپ در سال ۲۰۰۹ انجام شد؛ ۸۷ درصد پرسش شوندگان آمریکایی در مجموع ایران را تهدیدی مستقیم برای امنیت ایالات متحده یا منافع این کشور در سراسر دنیا دانسته اند. نتایج این تحقیق در نمودار ۲ نشان داده شده است.

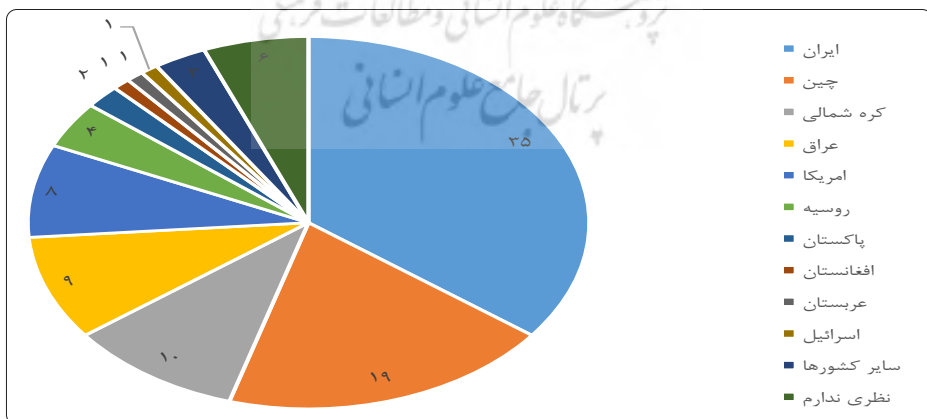
نمودار ۲. دیدگاه مردم آمریکا درباره تهدید ایران برای آمریکا در سال ۲۰۰۹



Source: Jones, 2009: 2.

به علاوه ایران در اذهان آمریکایی‌ها فقط تهدیدی برای آمریکا نیست، بلکه نظم و ثبات بین‌المللی را نیز تهدید می‌کند؛ چنان‌که در تحقیق مؤسسه گالوپ در سال ۲۰۰۷ پرسش‌شوندگان آمریکایی در پاسخ به این سؤال که بزرگترین تهدید برای ثبات جهان کدام کشور است؟؛ ایران را به عنوان بزرگترین تهدید نام برده‌اند. نتایج این تحقیق در نمودار ۳ نشان داده شده است.

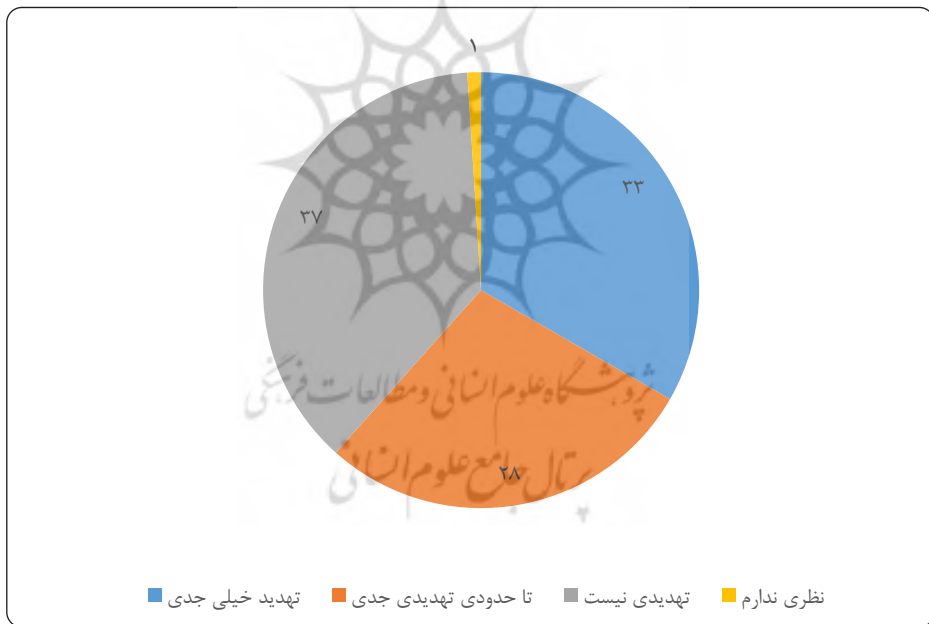
نمودار ۳. دیدگاه مردم آمریکا درباره تهدید آمیزترین کشور جهان در سال ۲۰۰۷ (درصد)



Source: Carroll, 2007a: 12.

از سوی دیگر نتایج تمامی نظرسنجی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران حاکی از آن است که مردم آمریکا نظری کاملاً بدبینانه توأم با تهدیداندیشی درباره برنامه هسته‌ای ایران دارند؛ به طوری که برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی برای آمریکا می‌دانند (Carroll, 2007b: 3). در تحقیقی که توسط گالوپ و در سال ۲۰۰۷ انجام شده از پرسش‌شوندگان آمریکایی سؤال شد به نظر شما برنامه هسته‌ای ایران تا چه میزانی برای آمریکا تهدید محسوب می‌شود؟ نتایج این تحقیق در نمودار ۴ آمده است.

نمودار ۴. دیدگاه مردم آمریکا درباره تهدید بودن برنامه هسته‌ای ایران برای آمریکا در سال ۲۰۰۷



Source: Carroll, 2007b: 2.

طبق نتایج این تحقیق ۶۱ درصد پرسش‌شوندگان برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی برای آمریکا دانسته‌اند. نتایج تحقیقی دیگر نشان می‌دهد ۸۰ درصد

پرسش‌شوندگان آمریکایی معتقدند در صورت توسعه برنامه هسته‌ای ایران، این کشور سلاح‌های هسته‌ای خود را در اختیار تروریست‌هایی قرار می‌دهد که علیه آمریکا استفاده خواهند کرد و ۸۱ درصد نیز معتقدند این اتفاق علیه اسرائیل صورت خواهد گرفت (Saad, 2006: 7). این موضوع گویای پیوند تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی در ذهنیت امنیتی مردم آمریکا است. در تحقیق آرت سوئیفت در فوریه ۲۰۱۴ پرسش‌شوندگان آمریکایی خطر تروریسم بین‌المللی و توسعه سلاح‌های هسته‌ای ایران را به‌عنوان مهمترین تهدیدات امنیت ملی آمریکا در ۱۰ سال آینده عنوان کردند؛ امری که تقریباً از سال ۲۰۰۱ به بعد ثابت بوده است (Swift, 2014: 1).

بخش مهمی از تصویر نادرست ایجاد شده از ایران به‌عنوان یک تهدید بین‌المللی، ناشی از تصور مردم آمریکا در مورد حمایت ایران از گروه‌های تروریستی و خشونت‌طلب بین‌المللی است. بر این اساس در نظر آمریکایی‌ها پیوند ایران با این گروه‌ها و حمایت رسمی و علنی از آنها در کنار توسعه برنامه هسته‌ای، ایران را به‌عنوان یک تهدید جدی در ذهنیت آمریکایی‌ها جلوه‌گر می‌کند.

۲-۴. میزان توانمندی ایران از دیدگاه افکار عمومی آمریکا

بعد از شکل‌گیری بحران هسته‌ای ایران، عمده نظرسنجی‌ها در مراکز تحقیقاتی آمریکا به این موضوع پرداخته‌اند. آنها با طرح سؤالاتی عمدتاً بسته سعی کرده‌اند دیدگاه مردم آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران را واکاوی کنند. نتایج این نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد مردم آمریکا باور دارند ایران به دنبال تولید و توسعه سلاح هسته‌ای است. از آنجاکه در تفکر غربی همچنان نگرش رئالیسم حاکم بوده و سلاح اتمی به‌عنوان یک معیار در اندازه‌گیری قدرت مورد توجه است، می‌توان برنامه هسته‌ای ایران را به‌عنوان معیاری از میزان توانمندی و قدرت ایران در دیدگاه مردم آمریکا مورد بررسی قرار داد. جدول ۳ نتایج تعدادی از نظرسنجی‌ها که توسط مراکز مختلف در سال‌های متفاوت (با یک سؤال واحد) انجام شده را نشان می‌دهد.

جدول ۳. دیدگاه مردم آمریکا درباره ماهیت برنامه هسته‌ای ایران

براساس آنچه شنیده یا خوانده‌اید، آیا فکر می‌کنید ایران سعی دارد سلاح هسته‌ای تولید کند؟				
تاریخ	نظرسنجی	بله	خیر	نظری ندارم
ژانویه ۲۰۰۶	CNN/USA Today/Gallup	۸۰ درصد	۱۲ درصد	۸ درصد
اکتبر ۲۰۰۷	CNN/Opinion Research Corporation Poll	۷۷ درصد	۱۸ درصد	۵ درصد
اکتبر ۲۰۰۹	ABC News/Washington Post Poll	۸۷ درصد	۸ درصد	۴ درصد
اکتبر ۲۰۰۹	CNN/Opinion Research Corporation Poll	۸۸ درصد	۱۱ درصد	۲ درصد
مارس ۲۰۱۲	ABC News/Washington Post Poll	۸۴ درصد	۹ درصد	۸ درصد

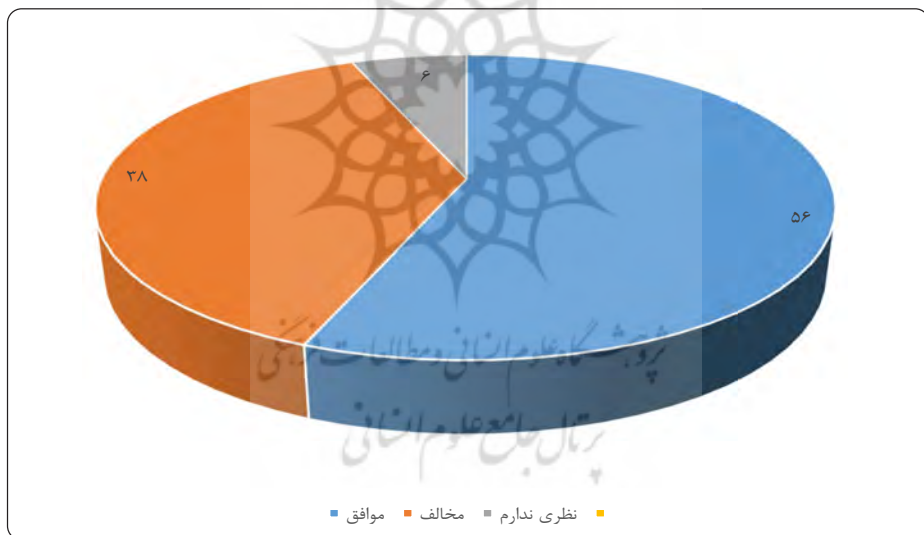
Sources: .Moore, 2006: 1; Washington Post-ABC News Poll, 2009, 2012; CNN, 2007, 2009b.

در فوریه ۲۰۱۰ در یک نظرسنجی از مردم آمریکا سؤال شد آیا فکر می‌کنید ایران در حال حاضر دارای سلاح هسته‌ای است یا خیر؟ اگر خیر یا مطمئن نیستید، چقدر فکر می‌کنید که این کشور در چند سال آینده سلاح هسته‌ای خواهد داشت؟ در پاسخ ۷۱ درصد گفته بودند ایران در حال حاضر دارای سلاح هسته‌ای است. ۲۶ درصد هم گفته بودند سلاح هسته‌ای ندارد. از دسته دوم نیز ۹ درصد گفته بودند به احتمال زیاد و ۱۲ درصد گفته بودند تا حدودی احتمال دارد ایران تا چند سال آینده به سلاح هسته‌ای دست یابد. ۵ درصد گفته بودند تا حدودی بعید است و تنها ۲ درصد گفته بودند خیلی بعید است تا چند سال آینده ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد (Steinhauser, 2010).

با این حال مردم آمریکا به‌رغم باور به اینکه ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است، با اقدام نظامی علیه این کشور مخالف بودند. در نظرسنجی نوامبر ۲۰۱۱ شبکه سی.بی.اس. نیوز، ۱۵ درصد از پرسش‌شوندگان آمریکایی پاسخ داده بودند ایران هم‌اکنون تهدیدی است که به اقدام نظامی آمریکا نیاز دارد. اما ۵۵ درصد گفته بودند ایران تهدیدی است که نیازمند دیپلماسی است و ۱۷ درصد هم ایران را تهدید نمی‌دانستند (Montopoli, 2011). مشابه همین سؤال در ماه می ۲۰۱۳ توسط سی.بی.اس. نیوز و نیویورک تایمز پرسیده شد که ۱۵ درصد گفته بودند ایران تهدیدی است که به اقدام نظامی نیاز دارد. ۵۹ درصد گفته بودند

تهدیدی است که می‌تواند کنترل شود و ۲۱ درصد هم گفته بودند ایران هیچ‌گونه تهدیدی برای آمریکا محسوب نمی‌شود (CBS News/New York Times Poll, 2013) شبکه خبری سی.ان.ان. در فوریه ۲۰۱۲ از مردم آمریکا سؤال کرد که این کشور برای توقف برنامه هسته‌ای ایران باید چه اقدامی انجام دهد؟ در پاسخ فقط ۱۷ درصد خواستار اقدام نظامی شده بودند و ۶۰ درصد خواستار تلاش‌های اقتصادی و دیپلماتیک بودند (CNN Political Unit, 2012). مؤسسه گالوپ با روی کار آمدن باراک اوباما در ژانویه ۲۰۰۹ در یک نظرسنجی از مردم آمریکا سؤال کرد که آیا شما فکر می‌کنید ایالات متحده باید به دیپلماسی مستقیم با ایران روی آورد؟ نتایج این نظرسنجی در نمودار ۵ نشان داده شده است.

نمودار ۵. دیدگاه مردم آمریکا درباره دیپلماسی مستقیم میان آمریکا و ایران



Source: Morales, 2009: 1.

این نتایج گویای حمایت افکار عمومی آمریکا از مذاکره مستقیم با ایران است، موضوعی که اوباما در کمپین‌های انتخاباتی خود در سال ۲۰۰۸ بارها درباره آن سخن گفت و گام عملی را پس از به قدرت رسیدن با ارسال نامه به رهبرانقلاب و اعلام آمادگی برای حل‌وفصل

اختلافات از طریق مذاکرات برابر برداشت. البته چند ماه بعد با حوادثی که بعد از انتخابات ریاست جمهوری دهم در ایران روی داد، این پروژه تا چند سال به تعویق افتاد. اما در همین رویداد نیز می‌توان هماهنگی افکار عمومی در آمریکا با سیاست‌های او‌باما را مشاهده کرد. تحلیل‌های مختلفی درباره نوع واکنش او‌باما در قبال حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری ایران ابراز شده است. برخی معتقدند او‌باما واکنش قاطعی در قبال این حوادث از خود نشان نداد، در حالی که می‌توانست با برخی فشارها و اقدامات باعث تغییر رفتار جمهوری اسلامی یا حتی زمینه‌ساز سقوط نظام ایران شود (Takeyh, 2011; Phillips, 2011). با این حال نتایج یک نظرسنجی در ژوئن ۲۰۰۹ نشان می‌دهد با آنکه ۸۲ درصد پرسش‌شوندگان آمریکایی معتقد بودند در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران تقلب شده است، اما ۷۴ درصد آنها مخالف دخالت مستقیم دولت آمریکا در این موضوع بودند. به همین دلیل ۶۱ درصد آنها نوع واکنش او‌باما به اعتراضات بعد از انتخابات در ایران را درست دانسته و فقط ۳۶ درصد آن را رد کردند (Steinhauser, 2009).

حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری دهم در ایران باعث شد طرف ایرانی نسبت به نیت رئیس‌جمهور جدید آمریکا بدبین شده و روند مثبتی که در حال شکل‌گیری بود متوقف شود. در حالی که گمان می‌رفت با پاسخ نامه او‌باما توسط رهبر انقلاب امکان تحول در رابطه ایران و آمریکا به طور عام و موضوع هسته‌ای به طور خاص فراهم شده است، برخی اظهارنظرها از سوی او‌باما، هیلاری کلینتون وزیر خارجه وی و دیگر مقامات دولت آمریکا در رابطه با حوادث ۱۳۸۸ در ایران باعث شد مقامات کشورمان در نیت مسالمت‌جویانه او‌باما شک کرده و باب هرگونه مذاکره را ببندند (موسویان، ۱۳۹۴: ۳۸۲-۳۸۹). در چنین شرایطی باراک او‌باما نیز به سیاست قدیمی آمریکا علیه ایران (تحریم و فشار اقتصادی) روی آورد. البته این سیاست با افکار عمومی آمریکا همراه بود. در این باره مؤسسه تحقیقاتی پیو در نظرسنجی سپتامبر و اکتبر ۲۰۰۹ از مردم آمریکا سؤال کرد که آیا شما موافق یا مخالف تحریم‌های شدید بین‌المللی اقتصادی در مورد ایران هستید؟ در پاسخ ۷۸ درصد موافق، ۱۲ درصد مخالف و ۱۰ درصد هم نظری نداشتند (Kohut, 2009). در اکتبر ۲۰۰۹ در نظرسنجی سی.ان.ان. ۷۷ درصد پرسش‌شوندگان آمریکایی با اعمال تحریم‌های اقتصادی

علیه ایران برای ممانعت از دسترسی این کشور به سلاح هسته‌ای موافق بوده و ۲۱ درصد نیز مخالف بودند (CNN, 2009 b).

اما گذر زمان و موفقیت‌های پی‌درپی ایران در برنامه هسته‌ای خود (به‌رغم فشار تحریم‌ها بر اقتصاد و جامعه) دیدگاه‌های جاری در هیئت حاکمه و افکار عمومی آمریکا درباره مؤثر بودن سیاست تحریم بر تغییر رویکرد ایران در برنامه هسته‌ای را دچار چالش کرد. از این‌رو مؤسسه تحقیقاتی پیو در فوریه ۲۰۱۲ از مردم آمریکا سؤال کرد به نظر آنها آیا تحریم‌های اقتصادی شدید بین‌المللی علیه ایران باعث خواهد شد که این کشور از برنامه هسته‌ای خود دست بکشد؟ در پاسخ ۲۱ درصد پاسخ دادند ایران تحت تحریم‌های شدید بین‌المللی از برنامه هسته‌ای خود دست خواهد کشید، در حالی که ۶۴ درصد پاسخ دادند این اتفاق نخواهد افتاد و ۱۵ درصد هم نظری نداشتند (Kohut, 2012). به این ترتیب مجدد افکار عمومی (و نیز دولت آمریکا) سیاست مذاکره مستقیم را مورد توجه قرار دادند. در نظرسنجی مشترک ای. بی. سی. نیوز و واشنگتن‌پست در مارس ۲۰۱۲ برای ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای از پرسش‌شوندگان پرسیده شده بود که نظرشان درباره مذاکره مستقیم ایران و آمریکا برای حل این موضوع چیست؟ در پاسخ ۸۱ درصد از مذاکره مستقیم حمایت کرده و فقط ۱۶ درصد مخالف بودند (Washington Post-ABC News Poll, 2012).

به هر حال باید گفت اینکه مردم آمریکا باور دارند ایران سلاح هسته‌ای دارد یا به دنبال ساخت آن است و این موضوع را تهدیدآمیز می‌بینند و در عین حال از جنگ نظامی با ایران نیز پرهیز دارند؛ می‌تواند دلیلی بر میزان قدرت ایران در دیدگاه آنها باشد. اگرچه براساس نظرسنجی‌های انجام شده قدرت ایران تهدیدی بلندمدت (و نه فوری) برای آمریکاست.

۳-۴. دیدگاه مردم آمریکا درباره ارزش‌های سیاسی ایران

همان‌طور که پیشتر گفته شد اکثر نظرسنجی‌های انجام شده درباره ایران در آمریکا پیرامون برنامه هسته‌ای ایران است و کمتر به صورت مستقیم به موضوعات فرهنگی یا ارزش‌های سیاسی مردم ایران پرداخته شده است. با این حال از محتوای برخی پژوهش‌ها می‌توان به دیدگاه مردم آمریکا در این باره پی برد. به عنوان مثال شاه‌قاسمی در نظرسنجی که از ۱۷۵۲ فرد

آمریکایی انجام داد به این نتیجه رسید که ۳۸/۵ درصد نگاهی منفی به مردم ایران (به لحاظ دیدگاه فرهنگی)، ۲۷/۳ درصد خنثی و فقط ۲۰/۷ درصد دیدگاهی مثبت دارند. بقیه افراد هم یا نظری نداشتند یا دیدگاه‌های متضادی بروز دادند (Shahghasemi, 2017: 159-239).

با توجه به سه متغیری که ما برای بُعد ارزش‌های سیاسی در نظر گرفتیم می‌توان جزئیات نتایج تحقیق شاه‌قاسمی را به این شرح بیان کرد: هیچ‌یک از نظرات مثبت درباره ایران شامل نظام سیاسی، حقوق بشر و رفتار بین‌المللی ایران نمی‌شود، بلکه بیشتر شامل ویژگی‌های شخصی ایرانی‌ها همچون دوست، همکلاسی یا هم‌دانشگاهی (۳/۵ درصد)، تأکید بر جنبه‌های فرهنگی (۵/۷ درصد)، باهوش و تحصیلکرده (۴/۵ درصد) و سخت‌کوش (۱/۴ درصد) می‌شود. فقط یک مورد جنبه سیاسی دارد (ایران قربانی ارائه تصویر منفی از سوی رسانه‌ها شده است) که آن هم تنها از سوی ۰/۷ درصد عنوان شده است. در مقابل، عمده دیدگاه‌های منفی درباره ایران پیرامون همان سه متغیری است که در پژوهش حاضر تعیین شده است؛ به طوری که در متغیر نظام سیاسی؛ دیدگاه «سیاست‌مداران بد» (۳/۵ درصد) و «وجود سرکوب در ایران» (۴/۳ درصد) دیده می‌شود. در متغیر حقوق بشر؛ دیدگاه «قربانی و مظلوم واقع شدن زنان در ایران» (۲/۷ درصد)، «اجبار به حجاب» (۷/۸ درصد) و «وجود فقر و وضعیت بد زندگی در ایران» (۳/۲ درصد) پررنگ است و در متغیر رفتار بین‌المللی ایران هم دیدگاه «وجود رویکرد متعصب و پرخاشگرانه در ایران» (۶/۲ درصد)، «حمایت از تروریسم» (۱/۷ درصد) و «بحران گروگان‌گیری» (۱ درصد) دیده می‌شود (Ibid., 160).

تمایلات تروریستی در رفتار بین‌المللی ایران حتی از سوی نوجوانان آمریکایی هم ابراز شده است. در تحقیقی که در سال ۲۰۰۹ انجام شده است از دانش‌آموزان نوجوان یک مدرسه در ایالت اوهایو خواسته شد تصویری از ایرانی‌ها نقاشی کنند. نتایج نشان داد اکثر دانش‌آموزان تصاویری نقاشی کرده‌اند که آنها را به عنوان افرادی که تمایلات تروریستی دارند نشان می‌دهد (Heisey and Sharifzadeh, 2009). همچنین در یک مطالعه کیفی در سال ۲۰۰۹ از دانشجویان دانشکده مطالعات ارتباطات دانشگاه ایالتی کنت سؤال شد چه تصویری از مردم ایران دارند. نتایج نشان داد حدود ۴۷ درصد از پاسخ‌دهندگان تصویری منفی از ایران داشتند در حالی که تنها ۱۷/۵ درصد طرح‌واره‌های میان فرهنگی مثبتی نسبت

به ایران داشتند. عمده نظرهای مثبت باز هم پیرامون ویژگی‌های شخصی ایرانیان همچون عادی، معصوم، خوب و جنبه‌های فرهنگی بود، درحالی‌که طرح‌واره‌های منفی شامل مواردی مانند فقیر بودن، نیازمند کمک، تحت ستم، (حقوق بشر)، شریر (رفتار بین‌المللی) و دولت بد (نظام سیاسی) بود (Shaghasemi and Heisey, 2009: 147-148). این نتایج حاکی از آن است دیدگاه مردم آمریکا درباره ارزش‌های سیاسی ایران (نظام سیاسی، حقوق بشر و رفتار بین‌المللی) منفی و در واقع متفاوت از ارزش‌های سیاسی مطلوب در افکار عمومی آمریکاست.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

افکار عمومی آمریکا چه تصویری از ایران دارند؟ با توجه به نظریه تصویر در روابط بین‌الملل و سه بُعد موقعیت، میزان توانمندی و ارزش‌های سیاسی و نتایج نظرسنجی‌ها و تحقیقات مختلفی که درباره دیدگاه مردم آمریکا نسبت به ایران انجام شده است می‌توان به این سؤال پاسخ داد. در بُعد نخست بدون هیچ تردیدی می‌توان گفت مردم آمریکا برداشتی تهدیدآمیز نسبت به ایران دارند. جدا از آنکه این برداشت تا چه اندازه صحیح است، وجود چنین ادراکی و تأثیر آن در تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران دارای اهمیت است. پیوند ایران با آنچه گروه‌های تروریستی خوانده می‌شود از یک سو و برنامه هسته‌ای ایران از سوی دیگر دو منبع اصلی هراس‌آفرینی برای مردم آمریکا به شمار می‌روند. اینکه رسانه‌ها یا نخبگان و سیاست‌مداران تا چه اندازه در تبلیغ یا بزرگ جلوه دادن این تهدید نقش دارند، قطعاً مهم است، اما مهم‌تر از آن وجود چنین درکی از ایران در میان افکار عمومی آمریکاست که بر فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی این کشور تأثیر می‌گذارد. در بُعد دوم به نظر می‌رسد میزان قدرت ایران در نزد افکار عمومی آمریکا یک «قدرت نسبی» است. یعنی مردم آمریکا قدرت ایران را نه به اندازه قدرت کشور خود می‌دانند، نه این کشور را ضعیف می‌پندارند که بتوان به راحتی به آن حمله نظامی کرد. این موضوع را می‌توان در نظرسنجی‌ها تشخیص داد. چنان که پیشتر گفته شد مردم آمریکا با اقدام نظامی علیه ایران مخالفند، اما برای جلوگیری از دستیابی این کشور به

سلاح هسته‌ای و در صورتی که دیگر اقدامات ثمربخش نباشد، با اقدام نظامی موافق هستند (Smeltz and Kafura, 2015; Smeltz, 2014; Pew Research Center, 2013). قطعاً کشوری (مردمی) که یک جنگ نظامی را آغاز می‌کند باید از برتری قدرت خود (و در نتیجه پیروزی) بر کشور مورد تهاجم اطمینان داشته باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قدرت ایران از دیدگاه مردم آمریکا نه فرادست یا برابر با قدرت آمریکا و نه آن قدر فرودست است که بتوان آن را به سادگی مورد تهاجم قرار داد.

اما در مورد بُعد سوم به نظر می‌رسد اکثریت مردم آمریکا دیدگاهی متفاوت به ارزش‌های سیاسی ایران (نظام سیاسی، وضعیت حقوق بشر و رفتار بین‌المللی) نسبت به ارزش‌های سیاسی جاری در آمریکا دارند. فارغ از تأثیر رسانه‌ها در برسازگی چنین دیدگاهی، باید گفت این موضوع می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، دینی و اخلاقی دو کشور نیز باشد. بنابراین تصویر مردم آمریکا از ایران شامل کشوری تهدیدآمیز با قدرتی به نسبت پایین‌تر و ارزش‌های سیاسی متفاوت با آمریکاست که می‌توان آن را مترادف با ویژگی‌های تصویر «دشمن نسبی» یافت. لازم به توضیح است که ما در رساله دکترای مرتبط با این پژوهش، تأثیر چنین تصویری را بر فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران مورد بررسی قرار داده‌ایم که به صورت جداگانه در مقاله‌ای دیگر به آن پرداخته شده است.

منابع و مآخذ

۱. بیات، جلیل (۱۳۹۰). «تأثیر ساختارهای ذهنی بر مذاکرات پرونده هسته‌ای ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۲. ——— (۱۳۹۵). «امکان‌پذیری حل‌وفصل مناقشه هسته‌ای ایران از طریق تغییر تصاویر»، همایش دیپلماسی هسته‌ای ایران (مجموعه مقالات)، به کوشش کیهان برزگر و علی اسمعیلی اردکانی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. بیات، جلیل و سیدجلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۴). «بررسی نگرش‌های موجود در دو جامعه ایران و آمریکا درباره موضوع هسته‌ای ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۲۲.
۴. سرمد، زهره، عباس بازگان و الهه حجازی (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات آگه.
۵. کاتم، مارتا و دیگران (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی، ترجمه سیدکمال خرازی و جواد علاقبند راد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۶. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶). مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۷. موسویان، سیدحسین (۱۳۹۴). ایران و آمریکا؛ گذشته شکست‌خورده و مسیر آشتی، چاپ دوم، تهران، انتشارات تیسرا.
8. Alexander, M. G., M. B. Brewer and R. K. Hermann (1999). "Images and Affect: A Functional Analysis of out-Group Stereotypes", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 77, No. 13.
9. Bar-Tal, D. (2002). "The (Social) Psychological Legacy for Political Psychology", In: Monroe, K. R. (Ed.). *Political psychology*, Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
10. Bissett, Avery (2015). American Perceptions of Iran, *Student Scholar Symposium Abstracts and Posters*, 124, Available at: https://digitalcommons.chapman.edu/cusrd_abstracts/124.
11. Boulding, K. E. (1956). *The Image: Knowledge in Life and Society*, University of Michigan Press.
12. Boulding, K. E. (1959). "National Images and International Systems", *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 3, No. 2.
13. Carroll, Joseph. (2007a). "Public: Iran Poses Greatest Threat to World Stability", Gallup Poll.
14. ——— (2007b). "Public: Iran's Nuclear Program Poses Threat to U.S.", Gallup.

15. CBS News/New York Times Poll (2013). "Americans' Views on the Issues", *The New York Times*, Available at: <https://archive.nytimes.com/www.nytimes.com/interactive/2013/06/06/us/new-york-times-cbs-news-poll-june-2013.html?ref=politics>.
16. CNN (2007). "Most Americans Think Iran Wants Nuclear Weapons, Poll Says", *Opinion Research Corporation*.
17. ——— (2009a). "Poll: Americans Favor Talks With Iran", *Opinion Research Corporation*.
18. ——— (2009b). "Most Americans Think Iran Wants Nuclear Weapons, Poll Says". *Opinion Research Corporation*.
19. CNN Political Unit. (2012). "CNN Poll: Americans Favor Diplomacy Against Iran", *CNN Politics*, Available at: <http://politicalticker.blogs.cnn.com/2012/02/15/cnn-poll-americans-favor-diplomacy-against-iran/>.
20. Gallup (2019). "Iran", *Gallup Historical Trends*.
21. Gilboa, E. (2010). "American Public Opinion Toward Iran's Nuclear Program: Moving Towards Confrontation", *BESA Perspective*, 117.
22. Hartley, T. and B. Russett (1992). "Public Opinion and the Common Defense: Who Governs Military Spending in the United States?", *American Political Science Review*, Vol. 86, No. 4.
23. Heisey, D. R. and M. Sharifzadeh (2009). "Teenage Perceptions of Iranians and Americans: Visual Rhetoric of People Impacted by Politics", In: *A Paper Presented at the Annual Conference of the Ohio Communication Association in October*.
24. Herrmann, Richard K. (2013). "Perceptions and Image Theory in International Relations", in: *The Oxford Handbook of Political Psychology*, Edited by: Leonie Huddy, David O. Sears and Jack S. Levy (2 ed.).
25. ——— (1988). "The Empirical Challenge of the Cognitive Revolution: A Strategy for Drawing Inferences about Perceptions", *International Studies Quarterly*, Vol. 32, No. 2.
26. ——— (1986). "The Power of Perceptions in Foreign-Policy Decision Making: Do Views of the Soviet Union Determine the Policy Choices of American Leaders?",

- American Journal of Political Science*, Vol. 30, No. 4.
27. Herrmann, R. K. and V. P. Shannon (2001). "Defending International Norms: The Role of Obligation, Material Interest and Perception in Decision Making", *International Organization*, Vol. 55, No. 3.
28. Herrmann, R. K. et al. (1997). "Images in International Relations: An Experimental Test of Cognitive Schemata", *International Studies Quarterly*, Vol. 41, No. 3.
29. Hill, K. Q. (1998). "The Policy Agendas of the President and the Mass Public: A Research Validation and Extension", *American Journal of Political Science*, Vol. 42.
30. Holsti, O. R. (1976). "Foreign Policy Viewed Cognitively", In: *Structure of Decision: The Cognitive Maps of Political Elites*, Edited by: Axelrod, R. Princeton University Press.
31. _____ (1992). "Public Opinion and Foreign Policy: Challenges to the Almond-Lippmann Consensus", *International Studies Quarterly*, 36(4).
32. _____ (2004). *Public Opinion and American Foreign Policy*, University of Michigan Press.
33. Jervis, R. (2017). *Perception and Misperception in International Politics*, New Edition, Princeton University Press.
34. Jones, Jeffrey M. (2009). "Americans View North Korea as Greater Threat Than Iran", Gallup Poll.
35. _____ (2011) "Americans Continue to Rate Iran as Greatest U.S. Enemy", Gallup.
36. _____ (2014) "Far Fewer Americans Now Say Iran Is No. 1 U.S. Enemy", Gallup.
37. Kohut, Andrew (2009). "Most Would Use Force to Stop Iranian Nukes", Pew Research Center.
38. _____ (2012). "Public Takes Strong Stance Against Iran's Nuclear Program", Pew Research Center.
39. Mobasher, Mohsen M. (2012). *Iranians in Texas: Migration, Politics and Ethnic Identity*, University of Texas Press.
40. Montopoli, Brian (2011). "Poll: Americans' Views on Foreign Policy", CBS News Poll.

41. Moore, David. W. (2006) "Americans Worried About Iran's Nuclear Weapons Program", Gallup.
42. Morales, Lymari. (2009). "Majority of Americans Support Direct Diplomacy With Iran", Gallup Polls.
43. Naveh, C. (2002). "The Role of the Media in Foreign Policy Decision-Making: A Theoretical Framework", *Conflict and Communication*, 1(2).
44. Pew Research Center (2013). "Public Remains Supportive of Israel, Wary of Iran", *Pew Research Center*.
45. Phillips, J. (2011). "Iran's Green Movement Revives, Energized by Egyptian Revolt", *The Heritage Foundation*.
46. Powlick, P. J. (1995). "The Sources of Public Opinion for American Foreign Policy Officials", *International Studies Quarterly*, Vol. 39, No. 4.
47. Powlick, P. J. and A. Z. Katz (1998). "Defining the American Public Opinion/ Foreign Policy Nexus", *Mershon International Studies Review*, 42.
48. Risse-Kappen, T. (1991). "Public Opinion, Domestic Structure and Foreign Policy in Liberal Democracies", *World Politics*, Vol. 43, No. 4.
49. Saad, Lydia. (2006). "Iran Threat Poses Leadership Crisis for Americans", Gallup.
50. ——— (2019). "Majority of Americans Now Consider Russia a Critical Threat", Gallup.
51. Shahghasemi, E. (2017). *Iranians in the Minds of Americans*, Nova Science Publishers, Inc.
52. Shaghaseemi, E. and D. R. Heisey (2009). "The Cross-cultural Schemata of Iranian-American People Toward Each Other: A Qualitative Approach", *Intercultural Communication Studies*, Vol. 18, No. 1.
53. Smeltz, Dina (2014). "Let's Make a Deal: Public Backs Iran Talks", Chicago Council Survey.
54. Smeltz, Dina and Craig. Kafura (2015). "Americans Favor Deal with Iran; Willing to Back with Force", Chicago Council Survey.
55. Sobel, R. (2001). *The Impact of Public Opinion of U.S. Foreign Policy Since*

- Vietnam*, New York, Oxford University Press.
56. Soroka, S. N. (2003). "Media, Public Opinion and Foreign Policy", *Harvard International Journal of Press/Politics*, Vol. 8, No. 1.
57. Steinhauer, Paul. (2009). "CNN Poll: Americans don't Want to Intervene in Iran Election Crisis", *CNN/Opinion Research Corporation Poll*.
58. ——— (2010). "CNN Poll: American Believe Iran has Nuclear Weapons", *CNN/Opinion Research Corporation Poll*.
59. Steininger, M. Y. Y. (2009). *United States and Iran: Different Values and Attitudes Toward Nature*, University Press of America.
60. Swift, Art (2014). "Terrorism, Iranian Nukes Considered Greatest Threats to U.S.", Gallup.
61. Takeyh, R. (2011). "The U.S. Must Empower the Green Movement", *The Washington Post*.
62. Walt, S. M. (2018). *The Hell of Good Intentions: America's Foreign Policy Elite and the Decline of US Primacy*, Farrar, Straus and Giroux.
63. Washington Post-ABC News Poll (2009). *The Washington Post*, Available at: http://www.washingtonpost.com/wp-srv/politics/polls/postabcpoll_031012.html.
64. ——— (2012). *The Washington Post*, Available at: http://www.washingtonpost.com/wp-srv/politics/polls/postabcpoll_031012.html.
65. Wlezien C. (1996). "Dynamics of Representation: The Case of U.S. Spending on Defense", *British Journal of Political Science*, Vol. 26.
66. World Public Opinion Org (2008). "Poll of Iranians and Americans", *World Public Opinion.Org*.
67. Zhang, B. (2012). *Chinese Perceptions of the US: An Exploration of China's Foreign Policy Motivations*, Lexington Books.